

پرسش ۲۳۱: بیان سخن امام علی (ع): «سپاس و ستایش شایسته‌ی آن خدایی است که گمان‌ها را بازداشت....».

السؤال / ۲۳۱: ما بیان قول أمير المؤمنين (ع) في إحدى خطبه: (الحمد لله الذي منع الأوهام أن تنال إلا وجوده .. وحجب العقول أن تتخيل ذاته لامتناعها من الشبه والتشاكل) ([87]) ؟

المرسل: استاذ زكي

معنی این سخن امیرالمؤمنین (ع) در یکی از خطبه‌ها چیست: « سپاس و ستایش شایسته‌ی آن خدایی است که گمان‌ها را بازداشت که به او برسند مگر بر وجودش.... و عقل‌ها را پوشاند تا خیالِ ذات او را نکنند زیرا ذات او از شباهت‌ها و شکل‌ها، بازداشت شده است » ([88]).

فرستنده: استاد زکی

الجواب: بسم الله الرحمن الرحيم، والحمد لله رب العالمين، وصلى الله على محمد وآله الأئمة والمهديين وسلم تسليماً.

إنَّ معرفته (هو) سبحانه في العجز عن معرفته سبحانه، أي: إنَّ المعرفة تتحقق للإنسان عندما يعرف أنه عاجز عن معرفته سبحانه وتعالى، وهذا يتحقق عندما يسلك الإنسان الطريق إلى الله سبحانه وتعالى حتى يصل إلى معرفة عجزه عن المعرفة.

پاسخ:

بسم الله الرحمن الرحيم

والحمد لله رب العالمين، و صلى الله على محمد و آل محمد الائمة و المهديين و

سلم تسليماً.

معرفت او (هو) در ناتوانی از معرفت او سبحان و تعالی است؛ یعنی معرفت، هنگامی برای انسان محقق می‌شود که بفهمد او از شناخت خدای سبحان و متعال، ناتوان است و این، هنگامی محقق می‌شود که انسان در مسیر به سوی خدای سبحان و متعال گام بردارد تا به ناتوانی خود از معرفت، برسد.

وهذا العجز في مقامي الحقيقة (هو) والذات (الله)، ففي مقام الحقيقة أكيد أن العجز أعظم فلا معرفة إلا أنه موجود وحتى هذا الوجود ممتنع عن النيل و الإدراك، فإدراكه (هو) سبحانه وتعالى ممتنع، وكذا إدراك أثره [89]، أي: الذات الإلهية (الله) فحتى معرفة أنه موجود هي معرفة ناقصة وغير مكتملة؛ لأنها حتى لا تستند إلى أثره بل إلى أثر أثره وتجلي تجليه سبحانه وتعالى.

این ناتوانی در دو مقام حقیقت (هو) و ذات (الله) می‌باشد. تاکید می‌کنم که در مقام حقیقت، که ناتوانی بیشتر است؛ پس معرفتی نیست جز این که او وجود دارد و اگرچه این وجود، دور از دسترس و قابل درک نباشد. ادراک خدای سبحان و متعال (هو)، ممکن نیست و به همین ترتیب ادراک اثر او نیز ممکن نیست [90]؛ یعنی: ذات الهی (الله) و حتی معرفت به این که او وجود دارد، معرفتی ناقص و غیرکامل می‌باشد زیرا حتی این وجود داشتن مستند به اثر او نمی‌باشد بلکه مستند به اثر اثرش و تجلی تجلی او سبحان و متعال می‌باشد.

وما يخص الذات الإلهية (الله) فإدراك الوجود هنا ممكن؛ لأن إدراك الأثر [91] ممكن حيث إن أثر الذات مخلوق يحيط بوجوده وحقيقته؛ لأنها نفسه، ولكن العجز هنا يكون عن إدراك الذات أو تصور حقيقتها كونها الكمال المطلق (الله)، أو كونها الرحمة المطلقة (الرحمن الرحيم)، أو كونها القدرة المطلقة، أو كونها القهر المطلق.....، فالمعرفة المتحققة بالأثر مهما كانت تبقى ناقصة عن أن تكون هي الحقيقة وتتمام معرفة الذات، فمهما عرفت الرحمة فإن معرفتك تبقى معرفة في الخلق - لأنك في الخلق - لا في اللاهوت، فلا تمثل واقع الرحمة في اللاهوت، إذن تكون المعرفة هنا هي في العجز عن المعرفة التامة.

آنچه مخصوص ذات الهی (الله) است، درک وجود در این مرتبه است که ممکن می‌باشد؛ زیرا درک اثر [92] امکان‌پذیر است؛ زیرا اثر ذات، مخلوقی است که با وجود و حقیقتش، بر آن احاطه دارد؛ زیرا ذات او، خود او است. ولی عجز در اینجا، ناتوانی از ادراک ذات یا تصور حقیقت آن است که وجود آن، «کمال مطلق» (الله) است یا وجود آن، «رحمت مطلق» (الرحمن الرحیم) می‌باشد یا وجود آن، «قدرت مطلق» یا وجود آن «قهر مطلق» است. پس معرفتی که با اثر، محقق می‌شود؛ چه ناقص باقی بماند از آن که عین حقیقت و تمام معرفت باشد و چه رحمت شناخته شود، معرفت شما، معرفتی است که در خلق باقی می‌ماند زیرا شما در خلق هستی و نه در لاهوت، و تمثیل رحمت حقیقی در لاهوت نمی‌باشد. بنابراین معرفت در اینجا، ناتوانی از معرفت کامل است.

[87] - الكافي: ج 8 ص 18، مصباح البلاغة: ج 1 ص 172.

[88] - كافي: ج 8 ص 18 ؛ مصباح البلاغة: ج 1 ص 172.

[89] - الأثر هنا ليس بمعنى ماصدر عنه، بل هو ما أظهره سبحانه لخلقه ليعرفوه سبحانه وتعالى.

[90] - اثر در اینجا به معنی آنچه از او صادر می‌شود، نیست بلکه آن چیزی است که خدای سبحان را برای خلقتش نشان می‌دهد تا او سبحان و تعالی را بشناسند.

[91] - الأثر هنا بمعنى الصادر عن الله سبحانه أو المخلوق الذي خلقه الله سبحانه.

[92] - اثر در اینجا به معنی آنچه هست که از خدای سبحان صادر می‌شود یا مخلوقی است که خدای سبحان آن را خلق نمود.